

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۴۱۰-۴۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۷

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1939178.2326](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1939178.2326)

شجاعت در شعر متنبی از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌گرا

کبری صفری^۱، دکتر حسن شوندی^۲

چکیده

روان‌شناسی مثبت‌گرا رویکردی جدید به روان‌شناسی است که بر مبنای شناخت توانمندی‌ها و تقویت آنها در انسان به جای پرداختن به کشف نقص و بیماری‌های درونی او توسط مارتین سلیگمن ابداع گردید. این توانمندی‌ها از فضیلت‌ها سرچشمه می‌گیرد. روان‌شناسی مثبت‌گرا این فضایل را به شش فضیلت عام تقسیم می‌کند. یکی از این فضیلت‌ها در روان‌شناسی مثبت‌گرا شجاعت است. این مقاله با عنوان «شجاعت در شعر متنبی از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌گرا» ضمن ارائه تعریف روان‌شناختی فضیلت شجاعت و انواع آن، به نیروهای منشی آن فضیلت مانند صداقت، جدیت و پیگیری، تاب‌آوری و سرسختی، ریسک‌پذیری و انعطاف در شعر متنبی با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی، در راستای گسترش پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، و ایجاد دریچه‌ای نو برای پژوهش‌گران حوزه ادبیات، پرداخته و متنبی را فردی شجاع و مثبت‌نگر ارزیابی نموده است.

کلیدواژه‌ها: متنبی، شعر مثبت‌گرا، شجاعت، تاب‌آوری، صداقت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

m_m_safari@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول)

Hsh50165@yahoo.com



مقدمه

فضایل اخلاقی از جمله مواردی است که مضمون شعر شاعران دوره‌های مختلف در ادبیات جهانی را به خود اختصاص داده است. در ادبیات عرب نیز توجه ویژه‌ای به این فضایل شده است. ستودن این فضایل در تمامی دوره‌های گذشته غالباً با رویکرد جامعه‌شناختی و اجتماعی و مبتنی بر دریافت عمومی انجام پذیرفته است. تفاوت دیدگاه جامعه‌شناختی و اجتماعی آن‌هم با ذائقه‌ای عمومی با دیدگاه روان‌شناختی از این فضایل همانند دیگر علوم در نگاه علمی و دقیق و شاخه‌بندی‌های علمی فضایل با تعریف علمی برای هرکدام از فضایل و نیروهای منشی آنها در روان‌شناسی است.

از جمله فضایل اخلاقی که روان‌شناسان مثبت‌گرا به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند و از آن‌ها تعریف علمی ارائه داده و برای آن‌ها نیروهای رفتاری مختلف تعریف کرده و آن‌ها را به انواعی گوناگون تقسیم نموده‌اند، شجاعت است. شجاعت در واقع جرات اقدام برای رسیدن به هدف با وجود موانع متعدد درونی و بیرونی است، و اگر مانعی برای رسیدن به هدف وجود نداشته باشد، و رسیدن به آن سهل و آسان باشد، شجاعت معنای خود را از دست می‌دهد. از این رو جرات اقدام با وجود موانع و مشکلات به شجاعت معنا می‌بخشد. با این تعریف، پشتکار و تلاش بی‌وقفه از لوازم شجاعت است، و هیچ فردی بدون داشتن جدیت و پشتکار لازم جهت رسیدن به هدف، نمی‌تواند ادعای شجاعت نماید.

بنابراین روان‌شناسان مثبت‌گرا شجاعت را اراده تحقق هدف‌ها به رغم موانع درونی و بیرونی تعریف کرده‌اند، و دستیابی به آن را با نیروهای شبیه به خود مانند شهامت و جرات و پشتکار و جدیت و تلاش و کمال و صداقت و اعتبار و اصالت امکان‌پذیر دانسته‌اند.

با تعریفی که از فضیلت شجاعت در روان‌شناسی آمده است، شجاعت را نشانه‌هایی است که با شناخت آن یا تقویت آن می‌توان فضیلت شجاعت را شناخت یا در راستای تقویت آن قدم برداشت. داشتن اراده تحقق مهم‌ترین نشانه شجاعت است. به بیان دیگر «اراده» به معنای «خواستن و عمل کردن» از نشانه‌های شجاعت است. علاوه بر این به‌کارگیری واژه «اراده» در این تعریف اشاره غیر مستقیم به وجود موانع و لزوم گذر از موانع برای رسیدن به هدف دلالت دارد. چنانکه این واژه دلالت بر جدیت و پشتکار نیز دارد. و همان‌طور که واژه «اراده» به جدیت و پشتکار و کوشش و جرات دلالت دارد، تقویت جدیت و پشتکار و کوشش و جرات

نیز موجب تقویت اراده و در نتیجه شجاعت می‌گردد، و این صفات در این صورت تبدیل به خوی رفتاری برای شجاعت می‌شوند. از این رو برای جستن فضیلت شجاعت در دیوان متنبی باید به هرکدام از این نیروهای منشی به عنوان نشانه‌های شجاعت توجه نمود که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

این پژوهش بر آن است تا به دو پرسش پاسخ دهد: نخست این که آیا می‌توان با بررسی فضیلت شجاعت، نشانه‌های مثبت‌گرایی را در شعر متنبی یافت؟ و پرسش دوم این که کدام یک از نیروهای منشی فضیلت شجاعت در شعر متنبی آمده است؟

این پژوهش بر این فرضیه نیز استوار است که بررسی فضیلت شجاعت در شعر متنبی بیانگر وجود نشانه‌های مثبت‌گرایی در شعر متنبی است و بسیاری از نیروهای رفتاری فضیلت شجاعت در شعر متنبی وجود دارد.

پس از ابداع مثبت‌گرایی در روان‌شناسی توسط مارتین سلیگمن، توجه به صفات و فضائل مثبت جای کشف نقاط تاریک روان را گرفت. در این نوع از روان‌شناسی یافتن نقاط مثبت و پرورش و توسعه آن به جای کشف بیماری به عنوان درمان به کار گرفته شد. این پژوهش با اتکا به این نوع از روان‌شناسی مثبت‌گرا برخی رفتارها و منش‌های فضیلت شجاعت در شعر متنبی را بررسی می‌کند تا با یافتن منش‌هایی مانند صداقت و جدیت و سرسختی و انعطاف پذیری، تفکر مثبت‌گرای متنبی را نشان دهد.

پیشینه تحقیق

با پیدایش روان‌شناسی مثبت‌گرا و آشنایی ادبا و ناقدان با این روان‌شناسی، بررسی و نقد شاعران و نویسندگان ادبی با محوریت مثبت‌گرایی نیز آغاز شد و بسیاری از فضیلت‌ها و عادات و رفتاری روان‌شناسی مثبت‌گرا مورد توجه و آثار ادبا از آن منظر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در ادبیات عرب اما بررسی این آثار با رویکرد مثبت‌گرایی بسیار کمتر مورد توجه بوده است و در بررسی‌هایی که توسط نویسندگان این مقاله انجام شد شعر متنبی هنوز از این رویکرد تحلیل نشده است.

یکی از پژوهش‌هایی که با توجه به روان‌شناسی مثبت‌گرا در ادبیات فارسی به نقد و تحلیل پرداخته است، مقاله «نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن» در سال ۱۳۹۲ نگاشته منصور پیرانی است (ر.ک: پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۵۷-۳۳۸) وی در این مقاله،

ابتدا به بیان روان‌شناسی مثبت‌گرا پرداخته است؛ سپس با بیان فضیلت‌های مطرح شده در این گرایش از روان‌شناسی، مواردی از آن را برای پژوهش برگزیده است. او مقیاس‌های خوش‌زیستی را خویش‌پذیری، ارتباط مثبت با دیگران، خودکارآمدی، تسلط بر محیط، هدف‌مندی در زندگی و رشد شخصی دانسته و به تعریف آن‌ها پرداخته است.

نسرین عینی نیز در مقاله «عناصر نشانه شناختی امیدواری در غزلیات حافظ» (عینی، ۱۳۹۵: ۳۰۹-۲۷۹) با تعریفی از شعر و ارتباط آن با هیجانات و عواطف، به امیدبخش بودن شعر حافظ اشاره کرده و درباره امید، به تجزیه و تحلیل شعر حافظ می‌پردازد.

«تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی» که توسط پروین گلی‌زاده (۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۰۱) نگاشته شده، از دیگر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است که درباره هیجانات و عواطف و مولفه‌های خوشبختی و اعتماد سخن می‌گوید.

«روان‌شناسی مثبت در الهی‌نامه عطار» نیز که توسط محبوبه خراسانی (۱۳۹۷: ۷۸-۵۷) به رشته تحریر درآمده، درباره فضائل امید، رضایت و خشنودی و سپس خرد و دانش، فرزاندگی، تفکر انتقادی، عشق به یادگیری، خلاقیت و کنجکاوی، پشتکار، بی‌باکی و دلیری، شور و اشتیاق، عشق و دوستی، نیکی و مهربانی، هوش اجتماعی و معنویت از نگاه روان‌شناسی مثبت سخن می‌گوید.

ما بر آن شدیم تا درباره فضیلت شجاعت با توجه به رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا در اشعار متنبی، به تجزیه و تحلیل این مولفه به همراه نیروهای نشأت گرفته از آن پردازیم که درباره آن تاکنون هیچ پژوهشی با این رویکرد انجام پذیرفته است.

روش تحقیق

این مقاله با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی، در راستای گسترش پژوهش‌های بین رشته‌ای، و ایجاد دریچه‌ای نو برای پژوهش‌گران حوزه ادبیات، پرداخته است.

مبانی تحقیق

شجاعت در شعر متنبی از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌گرا

برای ورود به موضوع بحث ابتدا تعریفی از ترس ارائه می‌شود. ترس یک پاسخ غیر شرطی (غیر اکتسابی) به یک محرک بالقوه مخرب است (ر.ک: طاهری اصل، ۱۳۹۹: ۲۱۵) محرک‌های بالقوه مخرب در واقع همان موانع درونی و بیرونی می‌باشند. در مقابل ترس، روان‌شناسان

مثبت‌گرا شجاعت را اراده تحقق هدف‌ها به رغم موانع درونی و بیرونی تعریف کرده‌اند، و دستیابی به آن را با نیروهایی شبیه به خود مانند شهامت و جرات و پشتکار و جدیت و تلاش و کمال و صداقت و اعتبار و اصالت امکان‌پذیر دانسته‌اند (ر.ک: کار، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۱۶) فضیلت شجاعت دارای خصلت‌های رفتاری می‌باشد که وجود آنها نشانه وجود فضیلت شجاعت در انسان است و تقویت آنها موجب تقویت این فضیلت نیز می‌شود. این خُلق‌های رفتاری در ادامه در شعر متنبی بررسی می‌شود. این بررسی ضمن آنکه در جستجوی وجود فضیلت شجاعت در نزد شاعر است، می‌تواند مویذ برخی اصول رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا باشد و پیوندی میان ادبیات و روان‌شناسی مثبت‌گرا ایجاد نماید. لذا در ادامه به بررسی نیروهای منشی فضیلت شجاعت در دیوان متنبی می‌پردازیم:

صداقت

یکی از نیروهای رفتاری و منشی فضیلت شجاعت صداقت است. صداقت در واقع شاخص جداکننده حرف از عمل است. چه بسا انسانی که ادعای شجاعت دارد اما چون در محک و آزمون می‌آید جسارت اقدام و عمل ندارد. از این رو صداقت راه را برای رسیدن به فضیلت شجاعت هموار می‌نماید. چرا که کذب و دروغ واکنشی است که از ناتوانی و ضعف در مواجهه با حقیقت ایجاد می‌شود. متنبی در ابیاتی به صراحت، حرف و سخن را در مقابل وفای به سخن و راستی و صداقت قرار می‌دهد، و سخن گفته شده را دلیل انجام آن نمی‌داند و می‌گوید:

و ما کُلُّ مَنْ قَالَ قَوْلًا وَقَىٰ و لا کُلُّ مَنْ سِیمَ خَسَفًا أَبَىٰ
(متنبی، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

(چنین نیست که هر کس سخنی گوید، به آن وفا کند و به هر که زبونی و خواری تحمیل شود، از آن سرباز زند).

شاعر در این بیت صداقت در گفتار را در کنار عزت و ستم‌ناپذیری قرار می‌دهد، و بدین وسیله اعلام می‌کند که فقط کسی که صداقت دارد می‌تواند در مقابل ستمی که به وی روا می‌شود بایستد، و اگر کسی صداقت نداشته باشد او را یارای ایستادن در مقابل ستم نیست. به بیان دیگر شاعر صداقت را لازمه ستم‌ناپذیری و شجاعت می‌داند، و ناراستی و نبود صداقت را لازمه ذلت‌پذیری. به عبارتی متفاوت می‌توان نقش خوی رفتاری صداقت را در شکوفایی فضیلت شجاعت در این بیت از زبان شاعر شنید.

چنانکه گذشت شجاعت از نگاه روان‌شناسان، اراده تحقق هدف با وجود موانع تعریف گردیده است. شاعر در ابیات زیر از موانع با کلماتی مانند تخته‌سنگی سخت که جز با اراده خرد نمی‌شود، یاد می‌کند. و هدف را عزت و سربلندی می‌داند، و برای رسیدن به آن راهی جز شکافتن قلب مرگ نمی‌شناسد. در این ابیات تعریف شجاعت کاملاً نمود دارد. وی «قلب» را شجاعت و «آله» را «اراده» معرفی کرده، و می‌گوید:

وَلَا بُدَّ لِلْقَلْبِ مِنْ آلِهِ وَرَأَى يُصَدِّعُ صُومَ الصَّافَا
وَ مَنْ يَكُ قَلْبٌ قَلْبِي لَهُ يَشُقُّ إِلَى الْعِزِّ قَلْبَ التَّوَى
(متنبی، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

(دل را ابزار و آلتی و نیز اندیشه ای باید که سنگ‌های سخت و سنگین را بشکافد. و هر که را همچون من قلبی دلیر باشد، در راه رسیدن به عزت و کرامت، قلب مرگ را می‌شکافد). ناگزیر قلب باید ابزار و اراده ای داشته باشد که با آن سنگ سخت را بشکافد. هرکس قلبی چون قلب من داشته باشد، برای رسیدن به عزت، دل مرگ را می‌شکافد. وی در ادامه شجاعت را عشق و علاقه به خویشتن معرفی می‌کند، و براین باور است که کسی که خود رادوست داشته باشد، باید با خود صادق باشد، و برای خود خواری را نپسندد، و برای دور کردن پستی و خواری و ذلت از خود، وارد نبرد شود، و این نوع دوست داشتن خویشتن، دوست داشتنی صادقانه، و نشانه شجاعت است. او می‌گوید:

فَحُبُّ الْجَبَانَ النَّفْسَ أَوْرَدَهُ التَّقَى وَ حُبُّ الشُّجَاعِ النَّفْسَ أَوْرَدَهُ الْحَرْبَا
(متنبی، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

(حب نفس، بزدل را به پرهیز از پیکار و دلیر را به کارزار وا داشت). در مصراع نخست بیت چنان که ملاحظه می‌شود نوعی ریاکاری و عدم صداقت در رفتار فرد ترسو وجود دارد که با وجود اقرار به دوست داشتن خود، بدلیل ترس و نبود شجاعت، از طی کردن مسیر سربلندی باز می‌ماند. وی صداقت را که از نشانه‌های شجاعت است در بیت زیر نیز بیان می‌کند:

وَأَكْبَرُ نَفْسِي عَنْ جِزَاءِ بَغِيئِهِ وَ كُلُّ اغْتِيَابٍ جُهْدٌ مِنْ مَالِهِ جُهْدٌ
(متنبی، ۱۳۸۷: ۲۱۴)

(ومن نفس خویش را بزرگ تر از آن شمارم، که با غیبت، جزایی دهم که هر غیبتی، تاب و توان کسی است که او را توشه و توانی نیست).

شاعر در این بیت غیبت را جهد و تلاش ناتوان و ضعیف می‌داند، و آگاهانه از آن دوری می‌جوید و به هیچ وجه حاضر نیست کسی را با غیبت مجازات نماید. وی خود را بزرگ‌تر از این ضعف می‌داند، و صداقت را نشانه توانمندی و شجاعت می‌داند.

شاعر دربیتی دیگر که در زبان عربی «مثل» گردیده است، بلندی و کوتاهی گام‌ها و قدم‌ها را به بلندی و کوتاهی پاها وابسته می‌داند، و با زبانی دیگر می‌گوید که برداشتن گام‌های بلند نیازمند همت‌ها و اراده‌های بلند است، و هرکس همت و اراده‌اش کوتاه باشد، نمی‌توان از وی توقع کاری بزرگ داشت و لازمهٔ انجام کارهای بزرگ ایجاد و تقویت اراده‌هاست. شاعر با این سخن باز به فضیلت شجاعت تاکید می‌کند:

و کُلُّ طَرِيقٍ اَتَاهُ الْفَتَى عَلِيٌّ قَدْرَ الرَّجُلِ فِيهِ الْخَطَا
(متنبنی، ۱۳۸۲: ۱۶۹)

(هر راهی را که انسان پا نهد، پیمایش‌ها به اندازه گام‌هاست).

تاکید شاعر بر صداقت در بیت زیر نیز کاملاً مشهود است:

و اُكْبِرُ نَفْسِي عَنِ جِزَاءِ بَغِيْبِهِ وَ كُلُّ اَغْتِيَابٍ جُهْدٌ مِّنْ مَّالِهِ جُهْدٌ
(متنبنی، ۱۳۸۷: ۲۱۴)

(خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانم که به غیبتی مجازات کنم؛ که هر غیبتی تلاش کسی است ناتوان).

شاعر در این بیت غیبت را جهد و تلاش ناتوان و ضعیف می‌داند، و آگاهانه از آن دوری می‌جوید، و به هیچ وجه حاضر نیست کسی را با غیبت مجازات نماید. وی خود را بزرگ‌تر از این ضعف می‌داند، و صداقت را نشانه توانمندی و شجاعت می‌داند.

جدّیت و پیگیری

جدّیت و پیگیری از دیگر خصلت‌ها و نیروهای منشی فضیلت شجاعت است. چنانکه گذشت تعریف «اراده تحقق» متضمن معنای «جدّیت و پیگیری» می‌باشد، و بدیهی است هرکس دارای اراده اقدام به کاری باشد، باید جدیت و پیگیری برای رسیدن به هدف را نیز داشته باشد. شاعر به جدّیت و پیگیری خود در رسیدن به هدف چنین اشاره می‌کند:

و لَكِنَّ قَلْبًا بَيْنَ جَنْبَيْ مَالِهِ مَدَى يَنْتَهَى بِي فِي مَرَادٍ أُخْدُهُ
(مثنوی، ۱۳۸۷: ۲۷۵)

(ولیکن قلبی که میان دو پهلوئی من است، نهایتی ندارد تا مرا در مقصدی که بدان محدودش سازم، به نهایت رساند).

او وقتی هدف خاصی را تعیین می‌کند، هیچ چیز نمی‌تواند تصمیم و اراده‌اش را برای رسیدن به آن محدود نماید، و او با جدیت به سوی هدف تعیین شده حرکت خواهد نمود. وی سستی و کوتاهی را نکوهش کرده، با بیانی تویخ‌آمیز به دوری از آن و کمر همت بستن تشویق کرده، و می‌گوید:

إِلَى كَمِذَا التَّخْلُفُ وَالتَّوَانِي وَكَمِ هَذَا التَّمَادِي فِي التَّمَادِي
(مثنوی، ۱۳۸۷: ۱۷۴)

(تا به چند، این واماندن و سستی ورزیدن، تا به کی (در سستی و کوتاهی) به غایت اندر غایت رسیدن).

شاعر که قبلاً به میانه‌روی در جود و بخشش فراخوانده است، در بیتی دیگر تهی‌دستی را موجب دست‌نیافتن به خواسته‌های دل و نیز موجب خستگی و رنجوری انسان دارای همت بلند می‌شمارد، و می‌گوید:

وَاعْتَبُ خَلْقَ اللَّهِ مَنْ زَادَ هَمُّهُ وَقَصَّرَ عَمَّا تَشْتَهِي النَّفْسُ وَجُدَّهُ
(مثنوی، ۱۳۸۷: ۲۷۲)

(و رنجورترین خلق خدا کسی است که همتش در فزون است ولی در آنچه دل آرزو می‌کند طاقتش دون است).

تهیدستی شاعر با وجود همت والا او را ناامید و رنجور ساخته است، بگونه‌ای که گویا او قصد اقدام دارد، ولی تهی‌دستی او مانع اقدامش می‌شود، و استمرار یاس و امید او را رنجور کرده است. به بیان دیگر انسانی که دارای همت بالا است، در صورتی که نتواند همت خود را بکار بندد، دچار رنجوری می‌شود. علاوه بر آنچه گذشت شجاعت را می‌توان بر اساس «تعرف الاشیاء باضدادها» با ترس شناخت.

تأثیر ترس در زندگی شخصی و رفتارهای اجتماعی موضوعی است که در دیوان شاعر بسیار مشاهده می‌شود. تأثیر مثبت‌نگری در موفقیت را با بیان تأثیر منفی‌نگری در شکست روحی و

روانی در مواجهه با مشکلات برجسته می‌کند. شاعر در بیان هیجان منفی ترس، بر شخصیت مقابل ممدوح چنین بیان می‌کند:

عَرَضَتْ لَهُ دُونَ الْحَيَاةِ وَ طَرْفِهِ وَأَبْصَرَ سَيْفَ اللَّهِ مِنْكَ مُجَرِّدًا
(متنی، ۱۳۸۷: ۵۰)

(تو میان او و زندگی‌اش و میان او و بینایی‌اش حایل گردیدی و او شمشیر خدا را به دست تو، برهنه و برکشیده دید).

شخص مقابل ممدوح به محض مشاهده هیبت و عظمت ممدوح قالب تهی کرده، و هیبت و شکوه ممدوح میان او و زندگی‌اش حائل می‌گردد. این بدان معناست که ترس از شکست یا مرگ، به استقبال شکست و مرگ رفتن است. چرا که ترس موجب شکست و ناکامی روانی پیش از فرارسیدن شکست می‌گردد، و تفکر به هیجانات منفی موجب غلبه آن بر شخصیت فرد می‌گردد. چنان که اندیشیدن به هیجانات مثبت آنها را تقویت می‌کند.

تاب‌آوری و سرسختی

چنانکه گذشت فضیلت شجاعت دارای زیر مجموعه‌ای از صفات است که از نشانه‌های شجاعت محسوب می‌شوند. یکی از این صفات سرسختی است. «سرسختی یک سازه شخصیتی پایدار متشکل از سه مولفه اصلی تعهد، کنترل و مبارز طلبی است» (رمضانی، ۱۳۹۶: ۳۶-۲۷). در تعریف فوق چنانکه دریافت می‌شود سرسختی یک سازه شخصیتی و پایدار است. بنابراین سرسختی تک بعدی نمی‌باشد، و نمی‌توان با تکیه بر یک بعد، شخصیت فردی را سرسخت نامید. اولین بعد این نوع شخصیت تعهد است. فردی که به هدف خود تعهد نداشته باشد، نمی‌تواند مشکلات را تحمل نماید، و سرسخت نامیده شود. علاوه بر تعهد در این تعریف، کنترل هیجانات، برای جلوگیری از واکنش‌هایی که نتایج آن بازدارنده است، دومین بعد شخصیت سرسخت است. افزون بر این دو بعد، بعد سوم نیز وجود دارد که لازمه شخصیت سرسخت است، و آن مبارزه طلبی است که باید در میدان عمل جلوه‌گری نماید. از این‌رو روان‌شناسان دیگر تعریف فوق را این گونه بیان می‌کنند: «سرسختی سازه واحدی است که مولفه‌های شناختی، عاطفی و عملی را در برمی‌گیرد، و علاوه بر دارا بودن نقش بنیادین خود در حفظ بقا و تداوم نسل فرد، در راستای پربار ساختن و غنای زندگی به واسطه فراهم ساختن زمینه رشد و تعالی وی عمل می‌کند» (همان: ۲۸).

واژه دیگری که در کنار سرسختی قرار می‌گیرد، واژه تاب‌آوری است. «تاب‌آوری یک فرایند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدید کننده است. به بیان دیگر تاب‌آوری سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است. البته تاب‌آوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط نیست، و حالتی انفعالی در رویارویی با خطرها نمی‌باشد. بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامون خود است» (سامانی و جوکار، ۱۳۸۶: ۲۹۰-۲۹۵).

فردی که دارای تاب‌آوری است چاره‌ساز و انعطاف‌پذیر بوده، مطابق تغییرات «محیطی خود را وفق می‌دهد، و بعد از برطرف شدن عوامل فشارزا به سرعت به حالت بهبود بازمی‌گردد» (نصیر، ۱۳۸۹: ۵۵-۶۸).

«پژوهش‌ها نشان می‌دهد سطوح بالای تاب‌آوری به فرد کمک می‌کند تا از عواطف و هیجان‌ات مثبت به منظور پشت سر نهادن تجربه‌های نامطلوب و بازگشت به وضعیت مطلوب استفاده کند. بعضی از این محققین به عنوان تبیین احتمالی گفتند که تاب‌آوری از طریق افزایش سطح عواطف مثبت، باعث افزایش تقویت حرمت خود و مقابله موفق با تجربه‌های منفی می‌شود» (رمضانی و حجازی، ۱۳۹۶: ۳۱).

تاب‌آوری و سرسختی که از طبقات فضیلت شجاعت می‌باشد، و بدون سرسختی و تاب‌آوری رسیدن به اهداف امکان‌پذیر نمی‌باشد. در دیوان منتبی در ابیات متعددی دیده می‌شود. دعوت شاعر به سرسختی برای رسیدن به اهداف، سرسختی و مقاومتی است تا پایان زندگی، از این رو می‌گوید:

فَمَوْتِي فِي الْوَعْدِ عَيْشِي لِأَنِّي رَأَيْتُ الْعَيْشَ فِي أَرْبِ النَّفْسِ
(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۲۴)

(مرگ در دل کارزار برای من زندگیست زیرا زندگی را در کامیابی جان‌ها یافتم).

در این بیت هر سه مؤلفه سرسختی قابل دریافت است. تعهد شاعر به هدف تا جایی است که برای رسیدن به هدف جان خود را به خطر می‌افکند. تعهد مقوله‌ای شناختی و معرفتی است. اما بدیهی است فقط شناختی که تعهدآور است نمی‌تواند فرد را در زمره افراد شجاع و دارای پایداری و سرسختی قرار دهد، بلکه علاوه بر شناخت و تعهد، عاطفه فرد باید او را همراهی کند، عاطفه‌ای که در مدیریت فرد باشد. از این رو تحقق مولفه دوم یعنی کنترل هیجان‌ات و عواطف نیز در این بیت مشهود است. صحنه جنگ و مرگ، عاطفه ترس را برمی‌انگیزد. اما

شاعر با این استدلال که زندگی واقعی در رسیدن به اهداف و با عزت زیستن است، عاطفه ترس را که هیجان منفی است، تبدیل به عاطفه و هیجان مثبت کرده، و آن را در کنار شناخت و تعهد در خدمت می‌گیرد. اما هنوز یک مولفه باقی است تا مولفه‌های استقامت و سرسختی و شجاعت تکمیل شود، و آن مولفه میدانی و عملیاتی است. یعنی شناخت عاطفه باید به عمل منتهی شود، که شاعر در این بیت به صحنه نبرد و مرگ در آن به عنوان نماد این مولفه اشاره می‌کند. بیت فوق تمام مولفه‌های سرسختی از طبقات شجاعت را در خود دارد، و شاعر به خوبی توانسته شجاعت را با استفاده از این دو طبقه به تصویر بکشد. وی در بیت‌های زیر نیز به این طبقات فضیلت شجاعت اشاره می‌کند:

لا اَفْتَخَارَ اِلَّا لِمَنْ لَا يُضَامُّ مُدْرِكًا اَوْ مُحَارِبًا لَا يَنْامُّ
ذَلَّ مَنْ يَغْبَطُ الذَّلِيلَ بَعِيشٍ رَبًّا عَيْشٍ اَخْفُ مِنْهُ الْحَمَامُ

(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۲۹)

(افتخاری نیست آن را که در راه عزت، ستم نبیند، آن را که یا خواسته را بدست آورد یا در راه آن بی آنکه بیارآمد، بجنگد).
(خوار گشت آنکه به خاطر زندگی ناچیز، به انسان ذلیل غبطه خورد، چه بسا زندگی ای که مرگ از آن آسانتر است).

او دعوت به سرسختی برای دستیابی به اهداف دارد، و به ستم‌پذیر- ناپذیری فرامی‌خواند و زندگی ذلیلانه را سخت‌تر از زندگی آسان و آسایش همراه خواری می‌داند. در این بیت، تعهد شناختی و معرفتی شاعر که حاضر است جان خود را به خاطر آن به خطر افکند، کاملاً مشهود است. به گونه‌ای که در دفاع از ارزش‌های اخلاقی زندگی با عزت، شجاعت اخلاقی خود را به رخ می‌کشد. وی افتخار را فقط در ستم‌ناپذیری در راه رسیدن به اهداف والا می‌بیند، و در غیر این صورت بدون آرمیدن به ستم‌ستیزی می‌رود، و غبطه‌خوردن بر زندگی انسان ذلیل را خواری می‌خواند، و آن را سخت‌تر از مرگ معرفی می‌کند، و با شرایط، منفعلانه برخورد نمی‌کند، بلکه خود را در حوادث، تعیین‌کننده می‌بیند. چرا که وی را سرسخت می‌خواند «و افراد سرسخت به آنچه انجام می‌دهند، متعهد ترند و خود را وقف هدف می‌کنند. آنها احساس می‌کنند که بر اوضاع مسلط و خودشان تعیین‌کننده هستند» (رمضانی و حجازی، ۱۳۹۶: ۲۹).

فردی که به هدف خود تعهد دارد، و به دنبال تسلط خود بر شرایط می‌باشد، باید ترس را

کنار بگذارد، و احتیاط بیش از حد را رها کند، چرا که «فردی که مسئولیت کاری را به عهده می‌گیرد، می‌پذیرد که یک سری فعالیت‌ها را انجام دهد، یا بر انجام این کارها توسط دیگران نظارت داشته باشد. بنابراین فرد مسئولیت‌پذیر ممکن است در برخورد با موقعیت‌های تازه با احتیاط برخورد کند، و در نتیجه ریسک‌پذیری او تحت‌الشعاع قرار گیرد. واژه خطر یا ریسک در ادبیات به معنای جسارت داشتن یا تمایل به اقدام کاری در جهت آینده‌ای نامعلوم به نحوی که نمی‌توان آن را با اطمینان تشخیص داد. پذیرش یک ریسک قرار دادن خود در معرض یک آسیب یا زیان است» (عسگری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸).

همانطور که نمونه‌های شعری گذشته شاعر درباره شجاعت به ریسک‌پذیری فرا می‌خواند. در ابیات زیر نیز می‌توان ریسک‌پذیری را که لازمه شجاعت است مشاهده نمود:

و أَشْرَفُهُمْ مَنْ كَانَ أَشْرَفَ هِمَّةً وَ أَكْثَرَ إِقْدَامًا عَلَى كُلِّ مُعْظَمٍ
(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۶۱)

(شریف‌ترینشان کسی است که همتش شریفتر و بر هر کار بزرگی اقدام کننده‌تر است). جسارت ورود به انجام کارهای بزرگ و پذیرش ریسک آن در بیت فوق نشان ارجمندی و شرافت افراد دانسته شده است. این ریسک‌پذیری هم از تجلیات شجاعت در شخصیت فرد است. شاعر تفکر در منافع دنیوی و یا ترس از جان را مانع اقدام و جسارت در ریسک‌پذیری می‌داند و می‌گوید:

مَنْ تَفَكَّرَ فِي الدُّنْيَا وَ مُهْجَتِهِ أَقَامَهُ الْفِكْرُ بَيْنَ الْعَجْزِ وَ التَّعَبِ
(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۵۷)

(آنکه به دنیا و جان‌ش بیاندیشد، این اندیشه او را بین ناتوانی و خستگی نگه دارد). در بیت گذشته چیزی که کمتر دیده می‌شود، و بیشتر مورد توجه و انتقاد شاعر است، نبود تعهد فرد به هدف است. چون تعهدی وجود ندارد، از این رو احتیاط می‌کند، و خود را در مقابل آینده‌ای نامعلوم قرار نمی‌دهد، و از این‌رو از قرار دادن خود در معرض آسیب پرهیز می‌کند، که این همان ترس و در مقابل شجاعت است. از این‌رو شاعر در بیت گذشته جسارت انجام کار و ریسک‌پذیری را می‌ستاید، و از سوی دیگر احتیاط و ترس که انسان را ناتوان می‌گرداند، نکوهش می‌کند.

انعطاف‌پذیری

البته شجاعت از نگاه روان‌شناسان فقط سرسختی سلبی یا ریسک‌پذیری نیست. بلکه گاه افراد اهداف خود را که به آن تعهد دارند با انعطاف‌پذیری می‌کنند، و با انعطاف‌پذیری تعهد و تسلط خود به هدف را به گونه‌ای پنهان اما مسئولانه پیگیری می‌کنند. این انعطاف‌پذیری که موقعیت‌تندگی (استرس‌زا) و فشار آفرین را از بین می‌برد، در مقوله تاب‌آوری قابل مطالعه است.

چنانکه گذشت تاب‌آوری، سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار تعریف شده است. متنبی در کنار استقامت و سرسختی و تاب‌آوری و ریسک‌پذیری که از مولفه‌های شجاعت هستند، به مولفه انعطاف‌پذیری یا سازش و یا سازش فعال برای رسیدن به هدف نیز توجه دارد، و در این رابطه می‌گوید:

مِنَ الْحِلْمِ أَنْ تَسْتَعْمَلَ الْجَهْلَ دُونَهُ إِذَا اتَّسَعَتْ فِي الْحِلْمِ طَرَقَ الْمِظَالِمِ
(متنبی، ۱۹۶۵م: ۳۲)

(اگر راه ستم با شکیبایی و خردمندی فراخ می‌گردد، خردمند نیست که نادانی را جای آن بکار بندی).

در این بیت ایشان نشان سازگاری مثبت (سازش فعال) و انعطاف‌پذیری از مولفه‌های شجاعت دیده می‌شود. وی از آنجا که به هدف تعهد دارد، برای رسیدن به هدف چنان منعطف می‌شود که در عقل و خرد خود را همچون مردم می‌نمایاند. وی چنین انعطافی را در بیت زیر نیز می‌آورد، و چنین می‌گوید:

وَ إِذَا كَانَتْ النَّفْسُ كِبَارًا تَعَبَّتْ فِي مَرَادِهَا الْأَجْسَامُ
وَ كَثِيرٌ مِنَ الشَّجَاعِ التَّوَفَى وَ كَثِيرٌ مِنَ الْبَلِيغِ السَّلَامُ
(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۳۷)

(چون جان‌ها بزرگ باشند، تن‌ها در رسیدن به خواسته‌هایشان خسته می‌شوند).
(و خویشتن‌داری، از سوی دلیران، بسی بزرگ است، «والسلام» از سوی سخنوران بلیغ).
شاعر اقدام همت‌های بلند و نفس‌های بزرگ را موجب درماندگی و خستگی تن‌ها می‌داند. به بیان دیگر تن‌ها از همراهی نفس‌های بزرگ در انجام تصمیم‌ها و اقدام‌های بزرگ باز می‌مانند. به معنای دیگر مردم را توان همراهی با انسان‌های بزرگ نیست. لذا نفس‌های بزرگ برای در

امان ماندن از مردم برای رسیدن به هدف، گریزی از انعطاف‌پذیری و سازش فعال ندارند. چنانکه انسان سخنور را گاه سکوت و سازش فعال لازم است. شاعر گاه انعطاف‌پذیری و سرسختی را با هم ذکر کرده و می‌گوید:

و هل تُعْنَى الرِّسَائِلُ فِي عَدْوٍ إِذَا مَا لَمْ يَكُنْ ظُبًّا رَقَاقًا
(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۴۱)

(آیا نامه‌ها در میان دشمن بسنده است، اگر شمشیرهای برآن نباشند).

شاعر، سیف و قلم را لازم و ملزوم یکدیگر در رسیدن به هدف می‌داند، و اینگونه انعطاف و سرسختی و شجاعت را در هم می‌آمیزد. تعهد و سازش فعال و تاب‌آوری و سرسختی و انعطاف که همگی از مولفه‌های فضیلت شجاعت هستند، در بیت فوق دیده می‌شود.

همانطور که گذشت شجاعت از دیدگاه روان‌شناسی عبارت بود از «ریسک‌پذیری و حرکت رو به جلوی افراد در مواقعی که مشکلات یا تهدیداتی پیش روی آن قرار دارد. در واقع در این دیدگاه ترس هسته مرکزی شجاعت و پیش‌نیاز بروز شجاعت است. به طوری که شجاعت تجربه همزمان ترس و تمایل نسبت به یک عمل است که در نهایت عمل مورد نظر صورت می‌گیرد. در اکثر تعاریف ارائه شده از شجاعت، ترس و احساس خطر از این مفهوم بوده است» (جهانگیری و محمدی، ۱۳۹۷: ۴۰).

انواع شجاعت در شعر متنبی

تعاریفی که تاکنون از شجاعت ارائه شده است دلالت بر ابعاد مهم و مشترکی در همه این تعاریف دارد، اول احساس خطر، دوم ریسک. در تمام تعاریفی که آمده اقدام به شجاعت همواره در پی هدفی مطلوب بوده است. از این رو با اضافه شدن عنصر «نوع اهداف» به دو عنصر احساس خطر (ترس) و ریسک، می‌توان از انواع شجاعت نام برد. تاکنون تنها سه نوع از شجاعت ارائه شده است، شجاعت فیزیکی، شجاعت اخلاقی و شجاعت روانی. ما در این مبحث به دو نوع از شجاعت‌های فوق یعنی شجاعت فیزیکی و شجاعت اخلاقی خواهیم پرداخت (ر.ک: همان: ۴۱).

شجاعت فیزیکی

«شجاعت فیزیکی غلبه فرد بر ترس از مرگ یا آسیب جسمی با هدف نجات دیگری از مرگ یا آسیب جسمی است مانند عمل مبارزه یک سرباز در میدان نبرد» (همان: ۴۱). این نوع از

شجاعت در دیوان متنبی بسیار دیده می‌شود. متنبی در بسیاری از اشعار خود که در ستایش و مدح دیگران آنها را سروده است از این نوع شجاعت سخن به میان می‌آورد. آن هنگام که شجاعت ممدوح را می‌ستاید شجاعت فیزیکی وی را در نظر داشته است. از این نوع ابیات وی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

أَسَدٌ دَمُ الْأَسَدِ الْهَزْبِ خِضَابُهُ مَوْتُ فَرِيصٍ الْمَوْتِ مِنْهُ يَرْعَدُ
(البرقوقي، ۱۳۶۸: ۲۱۳)

(ممدوح شیری است که که خون شیر ژیان خضاب اوست، و مرگی است که کتف مرگ از آن می‌لرزد).

چنانکه ملاحظه می‌شود شاعر ممدوح را در شجاعت به شیر مانند می‌کند و برای نشان دادن شجاعت او به صفات فیزیکی اشاره دارد. وی در ادامه می‌گوید:

و صُنَّ الْحُسَامَ وَلَا تُذَلِّهِ فَإِنَّهُ يَشْكُو يَمِينَكَ وَالْجَمَاجِمُ تَشْهَدُ
يَبْسُ النَّجِيعُ عَلَيْهِ وَهُوَ مَجْرَدٌ مِنْ غَمَلِهِ وَكَأَنَّمَا هُوَ مُغْمَدٌ
رِيَانٌ لَوْ قَذَفَ الَّذِي أَسْقَيْتَهُ لَجَرَى مِنَ الْمُهْجَاتِ بَحْرٌ مُزْبَدٌ
مَا شَارَكَتَهُ مَنِةٌ فِي مَهْجَةٍ إِلَّا وَشَفَرْتَهُ عَلَى يَدَيْهَا
(همان: ۲۱۵)

(شمشیرت را پاس بدار و خوارش مساز که آن شکوه از دست دارد و جمجمه کشتگاه گواهند).

(خون کشتگان بر آن خشکیده، و در حالیکه بیرون از نیام است گویا در نیام است).
(شمشیری سیراب از خون که اگر خون‌ها را قی می‌کرد، از خون قلب دشمنان دریایی جوشان جاری می‌شد).

(مرگ در کشتن کسی با شمشیر او شرکت نکرد مگر آنکه دست آن شمشیر به دستش بود).
در ابیات بالا نیز شاعر از شجاعت ممدوح تعریفی فیزیکی ارائه می‌کند و تمام توصیفات ممدوح بیانگر نگاه فیزیکی شاعر به مقوله شجاعت و آثار آن است.

شجاعت اخلاقی

«شجاعت اخلاقی عبارت است از ریسک‌پذیری افراد در جهت حفظ ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌هایی که به آن پایبند و معتقد است. هسته اصلی شجاعت اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی

هستند. این تعریف از شجاعت نیز در اشعار متنبی بسیار دیده می‌شود. شاعر که همواره شجاعت را دلاوری در صحنه نبرد می‌داند، و همواره برای تصویر شجاعت ممدوح صحنه‌های نبرد و حوادث آنرا و ابزار و آلات آن را توصیف می‌کند، اما جلوه دیگر شجاعت را نیز خوب می‌شناسد و هر کس را که سلاح نبرد به دست دارد شجاع نمی‌داند، و می‌گوید:

فَقَدْ يُظَنَّ شَجَاعًا مَنْ بِهِ خَرَقٌ وَقَدْ يُظَنَّ جَبَانًا مَنْ بِهِ زَمَعٌ
إِنَّ السَّلَاحَ جَمِيعُ النَّاسِ تَحْمَلُهُ وَ لَيْسَ كُلُّ ذَوَاتِ المِخْلَبِ السَّبْعُ
(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۴۲)

(گاه سبک سر شجاع پنداشته می‌شود، و گاه لرزان ترسو).

(مردمان همگی سلاح با خود دارند، و هر دارنده چنگالی درنده نیست).

چنان که ملاحظه می‌شود شاعر که در بسیاری از ابیات دیوانش ممدوح را به شیر تشبیه کرده، و وی را در تاخت‌وتاز و کر و فر چون شیری می‌خواند، در این دو بیت برخلاف آنچه در بسیاری از ابیاتش آورده، نه هر دارنده چنگالی را درنده می‌داند و نه هر حمل‌کننده سلاحی را شجاع می‌خواند. او با این تعریف گویا نوعی دیگر از شجاعت را که کارشناسان آن را شجاعت اخلاقی می‌نامند، مدنظر دارد. چرا که چه بسا شهامتی خاموش برای زنده ماندن نام نیک، شجاعت است. وی در جایی دیگر این نوع شجاعت را شجاعت حکیمانه می‌نامد و می‌گوید:

وَ كُلُّ شَجَاعَةٍ فِي المَرءِ تُغْنِي وَ لَا مِثْلَ الشَّجَاعَةِ فِي الحَكِيمِ
وَ كَمُ مِنْ عَائِبٍ قَوْلًا صَحِيحًا وَ أَفْتُهُ مِنَ الفَهْمِ السَّقِيمِ
وَ لَكِنْ تَأْخُذُ الأَذَانُ مِنْهُ عَلَيَّ قَبَدِ القَرَائِحِ وَ الفَهْمِ
(ابن عباد، ۱۹۶۵م: ۳۵)

(شجاعت، آدمی را از همه چیز بی‌نیاز می‌کند. اما چون شجاعتِ دانایان هیچ نیست).

(بسا کسی برگفتاری درست خُرده گیرد و علت در کژفهمی او باشد).

(اما هرکس، به اندازه گنجایش طبع و دانشش، سخن می‌شنود).

در ابیات فوق شاعر هیچ شجاعتی را چون شجاعت انسان حکیم در مقابل انسان کج‌فهمی که بر سخن درست خرده می‌گیرد، در حالی که عیبی بر آن نیست، معرفی نمی‌کند، و این نگاه انسان کج‌فهم به خاطر برداشت و فهم اوست. این برخورد با انسان کج‌فهم نیازمند شجاعت حکیمانه است تا بتواند ارزشی اخلاقی را زنده نگه دارد. چنین مواجهه‌ای از فرد حکیم که چه

بسا جایگاه وی را در نزد مردم زیر سوال برد، و ریسک تزلزل در جایگاه اجتماعی او را در پی داشته باشد، شجاعانه به شمار می‌آید. شاعر با این نوع نگاه است که ناگزیر دوستی خصم را توجیه پذیر می‌داند و می‌گوید:

و مِنْ نَكْدِ الدُّنْيَا عَلَى الْخُرْأَنْ يَرَى عَدُوًّا لَهُ مَا مِنْ صِدَاقَتِهِ بُدُّ
(همان: ۳۲)

(از سختی دنیا بر آزادمرد آن است که چاره‌ای جز دوستی با دشمنش نیابد).
و نیز در بیتی دیگر شاعر می‌گوید: در نبود سرسختی و تاب‌آوری که از مولفه‌های شجاعت است همه مردمان به سروری می‌رسیدند، حال آن‌که آنان تاب سختی و مشقت را نداشتند، و چون شجاعت مواجهه با تهی دستی و مرگ را نداشتند، نمی‌توانند جسور و بخشنده باشند. از این رو می‌گوید:

لَوْ لَا الْمَشَقَّةُ سَادَ النَّاسُ كُلَّهُمْ الْجُودُ يُفْقِرُ وَالْإِقْدَامُ قَتَّالُ
(همان: ۶۵)

(اگر نبود سختی مردمان همگی سروری می‌یافتند، جود تهی دست می‌گرداند و جسارت اقدام‌کننده است).

به بیان دیگر ماندگاری صفات اخلاقی و الایی چون جود و بخشش نیازمند نترسیدن از تهی دستی و فقر است، و ریسک‌پذیری پذیرش سختی و فقر نیازمند شجاعت است. باز در بیتی دیگر با تاکید بر تعریف اخلاقی از شجاعت می‌گوید:

و أَكْبَرُ نَفْسِي عَلَى جِزَاءِ بَغِيْبَةٍ وَ كَلُّ اغْتِيَابٍ جُهْدُهُ مَنْ لَالَهُ الْجَهْدُ
(همان: ۳۲)

(خود را بزرگتر از آن می‌دانم که به غیبتی مجازات کنم؛ که هر غیبتی تلاش کسی است ناتوان).

در این بیت نیز نبود تاب‌آوری و نبود پذیرش سختی عمل است که انسان را به سوی غیبت سوق می‌دهد. به بیان دیگر در نبود مولفه‌های شجاعت است که بی اخلاقی رشد می‌کند و شجاعت انسان موجب ارزش نهادن وی به شخصیت خود و پذیرش تبعات و سختی‌های صراحت کلام و در نتیجه زنده ماندن یک صفت اخلاقی والا و از بین رفتن صفتی ناپسند و بد اخلاقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

چنان که تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد روان‌شناسان برای مثبت‌گرایی فضائل شش‌گانه خردمندی، شجاعت، نوع دوستی، عدالت، اعتدال، و تعالی و معنویت را برشمرده‌اند. این فضائل در طول دوران ادبی نیز همواره مورد توجه شاعران قرار داشته و ایشان همواره به آنها پرداخته‌اند. تفاوت نگاه روان‌شناختی به این فضائل و نگاه اجتماعی شاعران به آنها نوع تعریف روان‌شناسان و دقت آنان در شاخه بندی هر فضیلت و خصلت‌های رفتاری مرتبط با آن است. برخی از این فضائل و عادات رفتاری آنها در دیوان شاعران چنان دقیق مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان با اطمینان از ایجاد رویکردی جدید در نگاه به اشعار شاعران سخن گفت و آثار نقدی-تحلیلی بین رشته‌ای قابل قبولی از آن ارائه نمود.

از جمله دیوان‌های شعری که می‌توان با نگاهی بین‌رشته‌ای به آن پرداخت دیوان شاعر پر آوازه جهان عرب، ابوالطیب متنبی است. شخصیت متنبی که فردی با اعتماد به نفس قوی بود نیز ورود به اشعارش بر اساس رویکرد مثبت‌گرایی را مستدل و توجیه‌پذیر نشان می‌داد. وجود نوعی حماسه در اشعار متنبی هم مزید بر علت شد تا با اطمینان، به فضیلت شجاعت و نیروهای منشی آن در دیوان وی پرداخته شود. در این پژوهش انطباق زیادی بین تعریف روان‌شناختی از شجاعت و نگاه شاعر به شجاعت دیده شد. نگاه شاعر به رفتارهای سرشتی شجاعت نیز موید این انطباق بود. به عبارت دیگر دیوان متنبی دربردارنده فضائل روان‌شناختی مثبت‌گرا و رفتارهای خُلقی آن است و می‌توان قریب به اتفاق نیروهای سرشتی این فضائل را در دیوان وی مشاهده نمود.

در روان‌شناسی، شجاعت، اراده رسیدن به اهداف با وجود موانع تعریف شده است. شخصیت متنبی و سیره عملی و نظری زندگی وی وجود شجاعت منطبق با تعریف فوق را تایید می‌نماید. وی برای رسیدن به نام و جاه، باکی از حضور مستقیم در نبردها و تجربه و توصیف آنها بر اساس تجربه شخصی خود، ندارد. اگر حضور او در صحنه‌های خطر را سیره عملی وی در تایید شجاعتش بدانیم، بسیاری از ابیات او را که در تمجید از خصائص رفتاری شجاعت همچون «صداقت» آمده است باید سیره نظری و تفکری وی نسبت به تایید فضیلت شجاعت برشماریم. از مرتبط با فضیلت شجاعت علاوه بر صداقت، جدیت، پیگیری، تاب‌آوری و سرسختی، و احیانا انعطاف‌پذیری برای رسیدن به هدف، از دیدگاه‌های منطبق با رویکرد

روان‌شناسی مثبت گرا در نزد متنبی است که مصادیق هر کدام از این نیروهای منشی در متن پژوهش به آنها اشاره شده است.

علاوه بر آنچه بیان شد در شعر متنبی هم به شجاعت فیزیکی و هم به شجاعت اخلاقی پرداخته شده است. هرچند بیشتر اشعار وی درباره فضیلت شجاعت و عادات خوی نهاد آن، در حیطه شجاعت فیزیکی می‌باشد، ولی ضرب‌المثل شدن بسیاری از ابیات شعری وی به ویژه آنچه مربوط به شجاعت است، به دلیل تاثیر بالای آنها در گسترش صفات اخلاقی را می‌توان نتیجه تلاش وی برای ماندگاری صفات نیکو، از جمله مصادیق شجاعت اخلاقی وی آورد.

منابع

کتاب‌ها

- ابن عباد، الصاحب (۱۹۶۵م) *الأمثال السائرة من شعر المتنبی*، بغداد: مطبعة المعارف.
- البرقوقي، عبدالرحمن (۱۳۶۸) *شرح دیوان المتنبی*، قم: امیر.
- البرقوقي، عبدالرحمن (۱۳۸۲) *شرح دیوان المتنبی*، ترجمه علیرضا منوچهریان، همدان: نور علم.
- البرقوقي، عبدالرحمن (۱۳۸۷) *شرح دیوان المتنبی*، ترجمه علیرضا منوچهریان، تهران: زوار.
- البرقوقي، عبدالرحمن (۱۹۸۶م) *شرح دیوان المتنبی*، بیروت: دار الکتب العربی.
- کار، آلن (۱۳۸۵) *روان‌شناسی مثبت*، ترجمه حسن پاشا شریفی، تهران: سخن.

مقالات

- پیرانی، منصور. (۱۳۹۲). *نگاهی به شعر حافظ با نگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن*. مجموعه مقالات هفتمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی هرمزگان، ۳۳۸-۳۳۷.
- جهانگیری، جهانگیر، محمدی، نسرین. (۱۳۹۷). *بررسی رابطه بین شجاعت اجتماعی و فرهنگ سیاسی. توسعه اجتماعی، ۱۲(۴)، ۵۶-۳۳*. doi: 10.22055/qjssd.2018.13679
- خراسانی، محبوبه، عربها، فاطمه. (۱۳۹۷). *روان‌شناسی مثبت در الهی‌نامه عطار نیشابوری*. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۱۲(۳)، ۸۶-۵۷*. doi: 20.1001.1.26766116.1397.12.3.3.6

رمضانی، فریدون، حجازی، مسعود. (۱۳۹۹). نقش تاب‌آوری و سرسختی روان‌شناختی در سلامت روانی افراد ورزشکار و غیر ورزشکار. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۵(۲)، ۲۷-۳۶. doi: 10.22070/cpap.2020.2814

سامانی، سیامک، جوکار، بهرام، صحراگرد، نرگس. (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی. *روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۳(۳)، ۲۹۰-۲۹۵.

طاهری اصل، مهدی، نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی کاربردشناسی کنش‌های گفتاری در باب شیر و گاو کلیله و دمنه بر اساس نظریه پلاچیک. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۲(پیاپی ۴۴)، ۲۰۵-۲۳۳. doi: 10.30495/dk.2020.677780

عسگری، پروین، عنایتی، میرصلاح‌الدین، عسگری، مانا، روشنی، خدیجه. (۱۳۹۰). رابطه مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری و هیجان‌خواهی با تیپ D اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، ۵(۲۰)، ۱۷-۲۴.

عینی، نسرین. (۱۳۹۵). بررسی عناصر نشانه‌شناختی امیدواری در غزلیات حافظ با تکیه بر روانشناسی مثبت‌گرا. *زبان و ادب فارسی*، ۸(۲۶.۲۷)، ۲۷۹-۳۱۰. dor: 20.1001.1.20.08899.1395.8.26.27.13.7.54.

گلی‌زاده، پروین، یزدانجو، محمد، مساعدف مینا. (۱۳۹۵). تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی. *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، ۱۰(۱)، ۱۰۱-۱۲۸. doi: 10.22108/jpII.2016.20884

نصیر، مرضیه. (۱۳۸۹). رابطه راهبردهای مقابله با استرس و تاب‌آوری با خوشبینی. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۵(۱۶)، ۷۵-۷۰.

References

Book

Barghohi, Abdolrahman (1989) *Explanation of Al-Mutanabbi's Diwan*, GHom: Amir.

Barghohi, Abdolrahman (1989) *Explanation of Al-Mutanabbi's Diwan*, Beirut: Arabic Book House.

Barghohi, Abdolrahman (2003) *Explanation of Al-Mutanabbi's Diwan*, Translated by Alireza Manouchehrian, Hamedan: The light of science.

Barghohi, Abdolrahman (2008) *Explanation of Al-Mutanabbi's Diwan*, Translated by Alireza Manouchehrian, Tehran: zavar.

Car, Alen (2006) *positive psychology*, Translated by Hassan Pasha Sharifi, Tehran: sokhan.

Ebnebad, Saheb (1965) *Proverbs from the poetry of Al-Mutanabi*, Baghdad: Knowledge Press.

Articles

Aini, N. (2016). A Semiotic Analysis on Hafiz Poems Based on C.S. *eeicc's Theory on hope symbols*, 8(26.27), 279-310. dor: 20.1001.1.2008899.1395.8.26.27.13.7.54.

Asgari, P., Enayati, M. S., Asgari, M., Roshni, Kh. (2011). The relationship between responsibility, risk-taking and excitement with type D. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 5(20), 17-24

Golizadeh, P., Yazdanjo, M., Mosaed, M. (2016). The Analysis of Positive Thoughts in MathnaviMa'navi from the Viewpoint of Psychology. *Research on Mystical Literature (Guhar-i-Guāā)*, 10(1), 101-128. doi: 10.22108/jpll.2016.20884

Jahangiri, J., Mohammadi, N. (2018). The Study of the Relationship between Social Courage and Political Culture. *Social Development (Previously Human Development)*, 12(4), 33-56. doi: 10.22055/qjsd.2018.13679.

Khorasani, M., Arabha, F. (2018). Positive psychology in Attar Nishaburi's theology. *Social-Cultural Studies of Khorasan*, 12(3), 57-86. dor: 20.1001.1.26766116.1397.12.3.3.6.

Nasir, M. (2010). The relationship between stress coping strategies and resilience with optimism. *New findings in psychology*, 5(16), 75-70.

Pirani, M. (2013). A Look at Hafez Poetry with a Positive Psychological Look at Martin Seligman. *Proceedings of the 7th National Conference on Persian Language and Literature Research in Hormozgan*, 338-337.

Ramazani, F., Hejazi, M. (2020). The Role of Resilience and Hardiness in Mental Health in Sample of Athlete and Non-Athlete. *Clinical Psychology and Personality*, 15(2), 27-36. doi: 10.22070/cpap.2020.2814

Samani, S., Jekar, B., Sahragard, N. (2007). Effects of Resilience on Mental Health and Life Satisfaction. *IJPCP*, 13(3), 290-295.

Tahari Asl, M., Nabiloo, A. (2020). Analyzing Speech act of Main four character of Kalila and Dimna's Lion and Ox Chapter Based on Robert Plutchik's Theory. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12(Consecutive44), 205-233. doi: 10.30495/dk.2020.677780.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 55, Spring 2023, pp. 410-431

Date of receipt: 30/8/2021, Date of acceptance: 6/4/2022

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1939178.2326](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1939178.2326)

A Courage in Al-Mutanabbi Poetry from a Positive Psychological Perspective

Kobra Safari¹, Dr. Hassan Shavandi²

Abstract

Positive psychology is a new approach to psychology was invented by Martin Seligman, based on recognizing the abilities and empowering them in human beings instead of discovering the soul and internal diseases. These abilities come from virtues. Positive psychology divides these virtues into six general ones, and "Courage" is one of these virtues in positivist psychology. This approach of psychology has a special attention to optimism and considers it as its most important principle and believes that the discovery of mental illnesses and trying to cure it, regardless of its positive inner abilities, is a type of pessimism that leads to pessimism. The inside of man makes more open. Thus, a positive psychologist seeks the characteristics, virtues and abilities of people, and counts inner virtues as six virtues, of which courage is one of them. This article is entitled: "Courage in Al-Mutanabbi Poetry from a Positive Psychological Perspective". This research providing a psychological definition on the virtue of courage and its types, to the sources of that virtue such as honesty, endeavor and perseverance, resilience and toughness, risk-taking and flexibility in Al-Mutanabbi poems by relying on descriptive-analytical method, in order to expand the interdisciplinary researches, and provide a new gate for literature researchers. This research has evaluated Al-Mutanabbi as a brave and an optimist person.

Keywords: Al-Mutanabbi, Poetry, Optimist; Courage; Resilience; Honesty.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ . PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. m_m_safari@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding author) Hsh50165@yahoo.com